

کارگران همه کشورها متحد شوید!

سال "داشند گزارش داد. اوایل سال ۱۳۹۷ این کارخانه با ۳۴۰ نفر کارگر و در "سه شیفت کاری" به تولید مشغول بود و سپس از دی ماه همین سال به علت ماهها پرداخت نشدن مطالباتشان از سوی دو خودروساز بزرگ "کشور" شیفت‌های کارخانه به یک شیفت تقلیل یافته" و با اتمام قرارداد کاری کارگران، اخراج کارگران قرارداد موقت آغاز شد. باقیمانده کارگران در کارخانه نیز قراردادهایی "یک الی دو ماهه" دارند و نسبت به امنیت شغلی، معیشت خود و خانواده و "پرداخت اجاره" بهای خانه‌های خود نگران‌اند. شرکت "طراحی و تولید قطعات صنعتی شهاب شمس"، با ۲۵ سال سابقه تولید قطعات خودرو، ابتدای سال ۹۷ "حدود ۶۰۰ کارگر" مشغول به کار در شرکت خود داشت، سپس به دلیل "افزایش قیمت ارز" و "مشکلات مالی"، از آذرماه ۹۷ تولید در کارخانه به طور کامل متوقف و تمامی ۲۶۰ نفر کارگر باقیمانده در کارخانه بیکار شدند [خبرگزاری ایلنا، ۲۷ آذرماه ۹۷]. با افزایش قیمت ارز، "ارزش نقدینگی"

ادامه در صفحه ۳



عمومی مرتب درحال مصاحبه‌اند، به این کمپین زیر نام‌های مختلف پیوستند. "مؤسسه خیریه نذر اشتغال امام حسین" از اصفهان، زیر لوای حاکمیت ولی فقیه و "نماینده خدا روی زمین"، در یورش‌های رژیم به دستمزد کارگران در سال‌های قبل، و اکنون نیز به منظور پیش‌برد طرح آزادسازی مزد به کار گرفته شده است. بر اساس گفته یکی از رهبران تشکل‌های دست‌ساز، این "مؤسسه خیریه" در اصفهان زنان سرپرست خانوار را در "چند واحد تولیدی" با "دستمزد ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان" در ماه به کار می‌گیرد. مطابق گزارش‌های رسانه‌های عمومی و گفته‌های رهبران تشکل‌های زرد، طرح موضوع آزادسازی مزد "در اصفهان کلید خورده است" و "بر اساس مفروضات و نظریات" این "مؤسسه خیریه"، "یکی" از نمایندگان اصفهان در مجلس تلاش به جمع‌آوری امضا از دیگر نمایندگان در حمایت از طرح آزادسازی مزد می‌کند. بر اساس گفته یکی از رهبران تشکل‌های زرد در اصفهان، این نماینده مجلس از "شصت تن از نمایندگان" دیگر نیز امضا گرفته است. یکی دیگر از رهبران تشکل‌های زرد می‌گوید: "در وزارت تعاون هم فردی حضور دارد که از این گروه و ایده حذف حداقل دستمزد در روستاها حمایت می‌کند." مطابق گزارش ۷ دی‌ماه خبرگزاری مهر: "تحت عنوان 'بسته حمایتی برای اشتغال

ادامه در صفحه ۳

نابودی امنیت شغلی هزاران کارگر قطعه‌ساز

رکود گسترده اقتصادی، افزایش لگام‌گسیخته نرخ ارز در ۹ ماه اخیر، رانت‌بازی معمول در صنعت خودروسازی، و تحریم‌های امپریالیستی شرايطی بسیار بحرانی و اسفناک را در واحدهای قطعه‌ساز کشور به وجود آورده‌اند. رسانه‌های همگانی در روز ۱۹ آذرماه از اخراج ۱۹۰ هزار نفر از کارگران قطعه‌ساز "طی دو موج" در سال جاری خبر دادند. مردم‌سالاری آنلین در این باره گزارش داد: "ظرف چند هفته آینده نیز ۸۰ هزار نفر دیگر ممکن است مشاغل خود را از دست بدهند."

خبرگزاری ایلنا، ۹ دی‌ماه، از "تعدیل [اخراج] ۱۸۰ کارگر" کارخانه "مارلیک سان قزوین" که سابقه کاری‌ای از "یک تا ۱۵"

طرح‌های رژیم برای «شناور سازی» مزد

با رشد جنبش اعتراضی کارگران به‌ویژه بر ضد سیاست خصوصی‌سازی، رژیم ولایت فقیه به منظور تکمیل حالتی تدافعی به جنبش کارگری و سندیکایی و در ادامه به اصطلاح "اصلاح قانون کار"، در سه ماه اخیر، انواع طرح‌های ضد‌مردمی‌ای مانند "شناورسازی مزد"، بررسی "مزد چندگانه"، بررسی "مرد منطقه‌ای یا ناطقی"، "اشتغال‌کارمزدی"، حذف "زنان سرپرست خانوار" از "شمول حداقل مزد و قانون کار"، "خروج روستاییان از شمول قانون کار"، و "حذف حداقل دستمزد" را در راستای آزادسازی کردن مزد پیش کشیده است.

همان‌طور که در بالا به نام طرح‌های مختلف اشاره شد، تمام این طرح‌های رژیم واژه‌ها و عبارت‌هایی مختلف برای لاف‌ه‌چیزی‌اند به نام آزادسازی مزد. بعد از افزایش لگام‌گسیخته نرخ ارز، آبان‌ماه سال جاری، علیرضا محجوب، به بهانه "شناور بودن قیمت ارز" و همین‌طور معاون او با ترفند "شناور بودن تورم"، طرح ضد‌مردمی "شناورسازی مزد" را پیش کشیدند و تعدادی از رهبران تشکل‌های زرد حکومتی نیز به‌تدریج به این کمپین پیوستند. به عبارت‌دیگر، رهبران تشکل‌های زرد حکومتی وظیفه پیش‌برد طرح رژیم برای آزادسازی مزد را به عهده گرفتند. با رشد اعتراض‌های کارگران نیشکر هفت‌تپه و گروه ملی فولاد ایران، معاون دبیرکل خانه کارگر در روز ۲۹ آبان‌ماه طرح رژیم برای "خروج کارگران کشاورزی از شمول قانون کار" را پیش کشید و به‌تدریج دیگر رهبران تشکل‌های دست‌ساز نیز که در رسانه‌های

نامه کارگری ضمیمه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۵، ۱۷ دی ماه ۱۳۹۷

بحثی پیرامون راهکارهای گسترش و ژرفش مبارزه جنبش کارگری و سندیکایی

مبارزه دلیرانه کارگران و زحمتکشان که نمونه‌های شاخص و اثرگذار آن اعتصاب کارگران فولاد اهواز، تحصن سراسری آموزگاران و اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه به‌شمار می‌آیند، حرکتی نویدبخش و آغازگر فصلی نو در پیکار جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما در مقطع زمانی کنونی است. به عبارت‌دیگر، جنبش کارگری و سندیکایی پس از سپری کردن دوره‌ای از سرکوب شدن، عقب‌نشینی و چالش‌های عینی و ذهنی‌ای بازدارنده، با رشد و گسترش مبارزه‌اش، هرچه بیشتر نقش مهم و موثری را با تحول‌های سیاسی کشور نشان می‌دهد. اعتراض‌های رو به افزایش کارگری، حرکت به سمت چرخشی معنادار و امیدوارکننده در اثرگذاری بر معادله‌های صحنه سیاسی کشور در چشم‌انداز قرار داده است: حرکتی نوام با فراز و فرود اما در راه تقویت دمکراتیسم در مرحله ملی و دمکراتیک مبارزه مردم میهن ما به‌منظور درهم شکستن استبداد مذهبی و طرد رژیم ولایت فقیه است.

مبارزه اعتراضی کارگران و زحمتکشان در بطن رویدادهای سیاسی و بر بستر تحول‌های بغرنج و پرشتاب کنونی رشد یافته است، و از آنجاکه این جنبش اعتراضی در نتیجه ژرفش بحران اقتصادی و ناتوانی رژیم از حل آن به‌سود منافع اکثریت مردم روی

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه بحثی پیرامون راهکارهای گسترش و ژرفش ...

است" [۱]. روزنامه دنیای اقتصاد که از بلندگویان سینه‌چاک دیدگاه‌های تالیبرالی است، سپس در ادامه مطلب می‌افزاید: "خصوصی‌سازی... تمهیدی موقتی و اضطراری و دارویی تلخ برای درمان درد مهلک اقتصاد دولتی بوده و هست. ... در واقع غالب خصوصی‌سازی‌ها به‌علت اینکه قبل از بهسازی فضای کسب‌وکار و آزادسازی و تحکیم حکومت قانون و حق مالکیت اجرا شده‌اند به نتایج ناگوار انجامیده... بنا بر این تا مسائل موردی و پراکنده بنگاه‌های واگذار شده به مسائل عمومی و با آثار سیاسی و امنیتی تبدیل نشده باید چاره‌ای اندیشیده شود. آنچه در این مطلب باید همچون نکته‌ای گره‌ای به آن توجه کرد، دفاع از خصوصی‌سازی و انباشت سرمایه همراه با سلب مالکیت از توده‌هاست. در این مطلب به‌وضوح از عمومی و سیاسی شدن مبارزه بر ضد خصوصی‌سازی ابراز نگرانی شده و درباره آن هشدار داده می‌شود. در اینجا یادآوری این نکته ظریف خالی از فایده نیست که هراس مدافعان آزادسازی اقتصادی از عمومی شدن صدای اعتراض کارگران و زحمتکشان دقیقاً مفهوم سیاسی داشته و نگرانی نسبت به آینده کانون‌های ثروت و قدرت در چشم‌انداز مبارزه بر ضد استبداد مذهبی است. مخالفت با خصوصی‌سازی نه به‌صورت انتزاعی، بلکه بر پایه واقعیت‌های موجود رشد و گسترش یافته است. مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان با برنامه خصوصی‌سازی به‌این دلیل از حمایت فراگیر برخوردار شده که محتوای آن معطوف به مبارزه در برابر برنامه تعدیل ساختاری، یا به‌عبارت‌دیگر، مبارزه با سمت‌گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. کدام طبقه و لایه اجتماعی مرتبط با تولید و دارای نقش مولده را می‌توان در جامعه ما نشان داد که در طول بیش از سه دهه اخیر از اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی، ابلاغیه اصل ۴۴ ولی فقیه، مقررات‌زدایی، و حذف نظارت دولتی زبان و صدمه ندیده باشد؟ علت عمومی شدن خواست کارگران در همین واقعیت نهفته است.

تلفیق مبارزه سیاسی با مبارزه صنفی، و حرکت به سمت تقویت توان جنبش ضددیکتاتوری

طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در طول سه دهه اخیر به‌لحاظ صنفی و سیاسی از اجرای برنامه‌های رژیم ولایت فقیه آسیب‌هایی جدی دیده‌اند. راهبرد رژیم در زمینه اقتصادی و اجتماعی-راهبردی که روتینای سیاسی به‌غایت فاسد و غارتگر از آن تغذیه می‌کند و تقویت می‌شود- منافع طیف گسترده زحمتکشان فکری و بدی را پایمال و نابود کرده است. مشکل در نحوه اجرای این یا نیست. سیاست اقتصادی به‌ویژه موضوع خصوصی‌سازی نیست، بلکه مشکل در برنامه تعدیل ساختاری و برنامه‌های کلان رژیم و ساختار واپس‌گرای آن است. خصوصی‌سازی نه در خال، بلکه در یک چارچوب مشخص تاریخی-اجتماعی به‌اجرا گذاشته می‌شود، و مبارزه طبقه کارگر علیه این واقعیت مشخص است. درست همین‌جاست که منافع طبقه کارگر و لایه‌های اجتماعی با یکدیگر پیوند می‌یابند و مبارزه علیه استبداد مذهبی فصل مشترک آن‌ها می‌گردد. در تبلیغات رسمی علاوه بر فریب دادن افکار عمومی یعنی مشکل را نحوه اجرای غلط خصوصی‌سازی تحلیل و منحصر کردن، تنها دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی‌اند که عامل مشکل در شناخته می‌شوند. کسی از ولی فقیه و ابلاغیه اصل ۴۴ که منشأ و عامل اصلی نابودی بنیه تولیدی و تخریب اقتصادی ملی است سخنی به میان نمی‌آورد. اصولاً ساختار به‌غایت فاسد و دیکتاتوری حاکم حافظ منافع لایه غارتگر و ضدملی است که از اجرای برنامه‌های اقتصادی سود می‌برد. برنامه تعدیل ساختاری که خصوصی‌سازی در بطن آن صورت گرفته و می‌گیرد، به تحکیم نقش فعالیت‌های غیرمولد، دلالی و واسطه‌گری غیرتولیدی منجر گردیده که طبقه کارگر از آن به‌شدت زیان دیده است. توقف خصوصی‌سازی یعنی توقف همین سیاست راهبردی ضد ملی و ضد مردمی. در چهارچوب اقتصاد ملی‌ای مبتنی بر تولید و تأمین منافع مردم، سرمایه‌های خصوصی به‌جای رفتن به سوی دلالی به فعالیت مولد و در جهت رشد کشور هدایت خواهند شد. چنین است محتوای مبارزه با خصوصی‌سازی که به مسئله‌ای عمومی و ملی تبدیل شده است. امروز بخشی از مبارزه فراگیر و عمومی کارگران و زحمتکشان کشور بر ضد برنامه تعدیل ساختاری و اجرای نسخه‌های خانمان‌برانداز صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است که اتفاقاً هسته اصلی ابلاغیه اصل ۴۴ ولی فقیه، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، برنامه دولت حسن روحانی، و به‌طورکلی سمت‌گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه را دربر می‌گیرد. مبارزه طبقه کارگر علیه خصوصی‌سازی دقیقاً در این جهت بوده و از این‌رو ماهیت صنفی و سیاسی توأمان داشته و دارد و زمینه‌های همکاری و اتحاد عمل لایه‌های اجتماعی مخالف فقر، استبداد، ستم و نقض حق حاکمیت ملی را فراهم می‌سازد.

احیای حقوق سندیکایی، سازمان‌دهی، و ارتقای سطح همبستگی، وظیفه اصلی است. به‌منظور بازگشت‌ناپذیر کردن مسیر مبارزه‌ای که جنبش کارگری و سندیکایی درحال گذار از آن است، بیش از هرچیز دیگر به تشکیلات و ارتقای سطح همبستگی همراه با سازمان‌دهی اعتراض‌های پراکنده به‌هدف پیوند آن‌ها به یکدیگر نیاز است. در این میان اتحادعمل فراگیر، استقلال عمل طبقاتی و پرهیز کردن از تفرقه، وظیفه‌ای تأخیرناپذیر است. دستفرازی از همه راه‌ها درصدد مهار داشته باشیم که رژیم از همه راه‌ها درصدد مهار

ادامه در صفحه ۳

می‌دهد، گامی پراهمیت به پیش در مسیر خروج جنبش از حالت تدافعی و رشد و قوام جنبش کارگری بوده است که زمینه‌های ضروری را برای اتحاد عمل و همکاری بین لایه‌های اجتماعی متضرر از ادامه دیکتاتوری را نیز فراهم می‌سازد. هم‌اکنون بحث‌هایی پردامنه و البته با انگیزه‌های مختلف و متفاوت در خصوص آینده و ماهیت جنبش سندیکایی زحمتکشان جریان دارد. از بحث‌های تفرقه‌افکنانه، جهت‌دار و جدا از واقعیت‌های عینی که بگذریم، بخش دیگری از ارزیابی‌ها و تحلیل‌ها به چگونگی سمت‌گیری مبارزاتی جنبش سندیکایی و راه‌های تقویت آن معطوف گردیده که باید از این‌گونه بحث‌ها استقبال کرد. حزب ما با افشای توطئه‌های رژیم ولایت فقیه، همواره خواستار تقویت و تحکیم موقعیت جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن بوده و هست. ما همواره تأکید کرده‌ایم که جنبش سندیکایی، جنبشی مستقل و قائم به‌ذات است که در صحنه سیاسی نیروی جانبدارانه‌ای طبقاتی محسوب می‌شود. وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مردمی و متشکل، سازمان سندیکایی‌ای که دره‌ایش به روی همه زحمتکشان و مزدبگیران باز باشد، ضرورتی کتمان‌ناپذیر در مقطع زمانی کنونی است. بنا بر این، برخلاف بعضی بحث‌های انحرافی‌ای که عمدتاً از سوی رژیم به آن‌ها دامن زده و رواج داده می‌شوند، احیای حقوق سندیکایی و برپایی تشکل سندیکایی در حکم سازمان پایه طبقاتی همچنان در صدر وظیفه مبارزه صنفی قرار می‌گیرد. کامیابی در مبارزه برای توقف خصوصی‌سازی و برپایی نهادی کارگری به‌منظور مشارکت و حضور زحمتکشان در روند نظارت بر تولید، بدون احیای حقوق سندیکایی امکان‌پذیر نخواهد بود. در هفته‌های اخیر رژیم با برنامه‌ای حساب‌شده در برخی مراکز مهم صنعتی ازجمله پالایشگاه کرمانشاه، هپکو، هفت‌تپه و چند مرکز تولیدی از طریق راهبردی دیگر سعی کرده که با خواست‌های احیای حقوق سندیکایی و توقف خصوصی‌سازی به‌مقابله برخاسته و بار دیگر می‌کوشد تا شوراها را اسلامی کار را تقویت کند و با رواج مباحث انحرافی، مانع رشد و گسترش مبارزه اعتصابی کارگران شود. آنچه به منافع صنفی کارگران و زحمتکشان مربوط می‌شود، این واقعیت است که شوراها را اسلامی کار به‌هیچ‌روی ماهیت و عملکردی همچون سازمان صنفی نداشته‌اند و در تقابل با احیای حقوق سندیکایی قرار دارند. این حرکت رژیم، یعنی تقویت تشکل‌های زرد، از هم‌اکنون محکوم به شکست است. ازاین‌رو، آنچه به‌عنوان وظیفه‌ای مبرم در اولویت قرار می‌گیرد، عبارت است از: تشدید مبارزه و کوشش خستگی‌ناپذیر برای ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی در جنبش کارگری-سندیکایی، و به‌موازات آن، پیوند دادن اعتراض‌های مردمی به یکدیگر و همکاری و هماهنگی گردان‌های جنبش مردمی در قالب اتحادعملی فراگیر به‌هدف تحکیم و تجهیز جنبش همگانی ضداستبداد؛ در این زمینه جنبش کارگری میهن ما می‌باید چالش‌های پیش روی را حل کرده و راهکاری مؤثر را تنظیم و به‌عنوان کارپایه مبارزاتی در دست‌ورکار بگنجانند.

مبارزه بر ضد برنامه تعدیل ساختاری؛ طبقه کارگر و منافع مشترکش با دیگر لایه‌های اجتماعی

خواست توقف خصوصی‌سازی و نقطه پایان نهادن بر برنامه ویرانگر آزادسازی اقتصادی، اینک از یک مطالبه صرفاً صنفی عبور کرده و به خواست سیاسی‌ای مشخص و برخوردار از بیشترین حمایت و هم‌سویی اجتماعی فرارویدیده است. در طول مبارزه قهرمانانه کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز و پیش از آن‌ها تحصن سراسری فرهنگیان و نیز تجمع‌های بازنشستگان کشور، بارها و بارها نمایندگان جناح‌های حکومتی و مسئولان ربزودرشت رژیم در برابر مطالبه به‌حق توقف خصوصی‌سازی به این نکته اشاره و بر آن تأکید کرده‌اند که، مشکل از خصوصی‌سازی نیست، بلکه روش اجرای آن محل مناقشه و اختلاف بوده و به‌تبع آن نارضایتی طیف گسترده زحمتکشان را موجب گردیده است. به‌عنوان نمونه، روزنامه دنیای اقتصاد، در گرماگرم اعتصاب کارگران هفت‌تپه، در مطلبی زیر عنوان: "ماجرای هفت‌تپه"، نوشته بود: "باتکلیفی و طولانی شدن زمان اعتراض کارکنان، رفته‌رفته مشکل کارگران را به مسئله عمومی تبدیل کرده... و صداهای اعتراضی درحال نضج گرفتن است. نتیجه سیاسی-اجتماعی رخدادهای بالا این شده است که نابسامانی اوضاع مجتمع هفت‌تپه، بحث درباره خصوصی‌سازی چند بنگاه دیگر را که دست‌مزد کارکنان‌شان به‌توقیف افتاده سر زبان‌ها انداخته و حال این پرسش درحال فراگیر شدن است که آیا کل برنامه خصوصی‌سازی تصمیم ناصوابی بوده یا اینکه فقط برخی موارد خصوصی‌سازی، نحوه طراحی و اجرا و نظارت پس از واگذاری ایراد داشته

ادامه طرح‌های رژیم برای «شناور سازی» مزد...

در روستاها... قرار است با الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار... کارفرمایان مشاغل ایجاد شده در روستاها با کمتر از ۱۰ نفر کارگر، از شمول حداقل مزدی... خارج شوند [و] پرداخت دستمزد، حق بیمه و سایر مزایای متعلقه کارگران این مشاغل در روستاها صرفاً بر اساس قرارداد بین کارگر و کارفرما تعیین شود. جالب اینجاست که هیچ‌کدام از رهبران تشکل‌های زرد نام «یکی» از نمایندگان اصفهان در مجلس یا نام «فردی» که در «وزارت تعاون» حضور دارد و از «ایده حذف حداقل دستمزد در روستاها حمایت می‌کند» را نمی‌برند و آشکار نمی‌کنند و حتی رسانه‌های رژیم نیز این روال را دنبال می‌کنند و نام آنان را علنی نمی‌کنند. مثلاً، خبرگزاری مهر، ۷ دی‌ماه، در گزارشی در این مورد، نه فقط روی نام آن نماینده مجلس، بلکه روی آدرس «وبسایت» او نیز خط کشیده بود. حتی جالب‌تر اینکه، در حالی که این نمایندگان مجلس با پیش کشیدن طرح «حذف حداقل دستمزد» دارند به ریشه کارگران و زحمتکشانشان تیش می‌زنند، رهبران تشکل‌های زرد آنان را «نمایندگان ملت» و «وکلاهی ملت» خطاب می‌کنند. اخیراً سه نفر از سران اصلی تشکل‌های دست‌ساز به این موضوع ورود کردند. در نشست مشترک شوراهای اسلامی کار در ۱۰ دی‌ماه، با اشاره به اینکه «تبلیغات مؤسسه نذر اشتغال علیه قانون ابعاد بسیار گسترده‌تری... دارد»، چهره منفور و نماینده مجلس علیرضا محبوب گفت: «فعالان کارگری باید مقابل این موضوع بایستند.» در این نشست «با انتقاد شدید از مسئولان و نمایندگان مجلس بابت مطرح کردن مزد توافق»، رئیس «کانون عالی شوراهای اسلامی کار» نیز گفت: «کانون عالی شوراهای اسلامی کار مقابل این گونه طرح‌ها خواهد ایستاد.» در این نشست، نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کسی که بعد از محبوب و معاون او در دفاع از «شناورسازی مزد» به‌پا خاست، با «گله» از نمایندگان مجلس گفت: «ما در رأی دادن‌هایمان اشتباه کردیم... این آغاز حرکت‌های ما در مقابل همه‌ای بوده که به قانون کار شده است.» به عبارت دیگر، همان کسانی که بحث «شناورسازی» و آزادسازی مزد را آغاز کرده‌اند، خواهان مبارزه «فعالان کارگری» علیه آن و تحت رهبری این عناصر ضد مردمی و ضد ملی هستند.

در حین اینکه «ترمیم دستمزد» و حتی ارائه به اصطلاح «بسته حمایتی» ۲۰۰ هزار تومانی به کارگران انجام نمی‌شوند، در حالی که ۹۰ درصد از مزدبگیران زیر خط فقر و «سیزده میلیون خانوار کارگری کشور زیر خط فقر مطلق» به‌سر می‌برند، هدف رژیم ضد مردمی ولایت فقیه تحمیل بوجه‌ای شدیداً ریاضتی به مردم جان‌به‌دل رسیده است. با اعلام همبستگی با مبارزات کارگران، معلمان و دانشجویان و تأکید بر آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان ماه‌های اخیر، باید رژیم دیکتاتوری ولایتی را به‌چالش کشید. با اتحاد مبارزاتی و تشکیل سندیکاهایی مستقل با ماهیت طبقاتی، می‌توان سیاست آزادسازی مزد به‌وسیله رژیم را عقیم گذاشت.

ادامه از مبارزه کارگران دیگر کشورها...

- کارخانه ریخته‌گری هالبرگ باید فوراً از وابستگی به مالکیت سرمایه خصوصی آزاد شود. ضروری است که این دگرگونی هم در قانون اساسی و هم در قوانین ایالتی تثبیت و اعمال شود؛

- کارخانه ریخته‌گری هالبرگ باید از همین حالا در پوشش دولتی و در راستای آینده‌ای بهتر به مالکیت ایالت درآید. به این‌ها موضوع ادغام ساختار هلدینگ ایالت زارلند نیز مرتبط است، ساختاری که نقش آن به‌عنوان ابزار سیاست روابط کاری باید از نو تعریف شود؛

- کارگران باید بتوانند حق رأی و مشارکت در تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری در مسائل کارخانه را داشته باشند؛

- ضرورت تغییر سیاستی‌ای ریشه‌ای ایجاد می‌کند که، دولت ایالتی همراه با برداشتن گام‌هایی که به سود مردم این ایالت باشد با این‌گونه سیاست‌های ضدکارگری فعالانه مبارزه کند. باید طرح‌هایی را که آینده‌نگر بوده و در جهت حفظ و بازسازی صنایع اقتصادی‌ای که تضمین‌کننده امنیت شغلی کارگران و همخوان با محیط زیست باشند، به اجرا در بیایند. در غیر این صورت، حفظ کارخانه ریخته‌گری جدید هالبرگ و دفاع از موجودیت آن سخت و دشوار خواهد بود.

کارگران کارخانه ریخته‌گری جدید هالبرگ در وهله نخست به همبستگی نیاز دارند تا بتوانند در برابر یورش به منافع‌شان به‌بهرترین وجه دفاع کنند.

[ترجمه نوشته «فرد هرگر» در «عصر ما»، نشریه «حزب کمونیست آلمان»، ۴ آبان‌ماه ۱۳۹۷.]

ادامه نابودی امنیت شغلی هزاران...

این شرکت به یک‌سوم کاهش یافته بود. شرکت سازه‌گستر (زیرمجموعه شرکت سایپا) نیز بیش از ۷ ماه... مطالبات معوق این شرکت را پرداخت نکرده بود. مدیرعامل شرکت «شهاب شمس» مشکل اصلی این کارخانه و سایر واحدهای قطعه‌ساز را «عدم وجود نقدینگی» و «وصول نشدن به‌موقع طلب‌های مالی» قطعه‌سازان از خودروسازان عنوان کرد و گفت: «اگر این شرکت ۵ میلیارد تومان مطالبات معوق ما را پرداخت می‌کرد، می‌توانستیم بخشی از مشکلات را حل کنیم.» با کاهش تعداد کارگران به زیر ۱۰ نفر در بسیاری از واحدهای تولیدی قطعه‌ساز در کشورمان، تولیدکنندگان خودرو در ایران توانسته‌اند این کارگران قطعه‌ساز را از شمول قانون کار خارج کنند. بسیاری از کارگران قطعه‌ساز بیکار شده از واحدهای تولیدی کوچک بوده‌اند و از هیچ‌گونه حمایتی در رژیم ولایتی برخوردار نیستند. به‌مدت چهار سال تمام کارگران رژیم در وزارت کار علت بیکاری میلیونی زحمتکشانشان را «ناخوانی مهارتی» آنان عنوان می‌کردند؛ وزیر کار جدید به ایسنا، ۲۹ آذرماه، گفت: «در حال حاضر ۹۸ درصد اعتبارات سازمان فنی‌و حرفه‌ای صرف هزینه‌های جاری می‌شود و تنها دو درصد از این بودجه برای توسعه مهارت‌آموزی صرف می‌شود.» کارگران بیکار شده قطعه‌ساز، کارگران فنی و نیمه‌فنی‌اند و در کشوری با منابع زیرزمینی و مالی‌ای عظیم مانند ایران، به‌غیر از دروغ از هیچ‌گونه حمایتی از سوی رژیم فاسد و ستمگر ولایتی برخوردار نیستند. کارگران قطعه‌ساز قربانی رانت‌خواری و فساد نهادینه رژیم تبهکار ولایت فقیه هستند. احیا و برپایی تشکل سندیکایی برای کارگران قطعه‌ساز و تأمین منافع آنان امری حیاتی و مهم است.

ادامه بحثی پیرامون راهکارهای...

کردن جنبش کارگری است. از تشکل‌سازی دولتی، از طرح شعارهای ناپهنگام گرفته تا تلاش برای خرابکاری در مبارزات اعتصابی و فعالیت پر تب‌وتاب عوامل و عناصر وابسته به دستگاه‌های امنیتی رژیم، همگی، در دستور کار قرار دارند. در عرصه مبارزه سندیکایی باید این اصل را همواره اویزه گوش قرار داد که پایگاه، جایگاه، توان و نیروی جنبش سندیکایی در میان توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها قرار دارد. باید رابطه با توده کارگر را تقویت و در کلیه مبارزات آنان با هشیاری حضور و مشارکت فعال داشت و از این راه توطئه تشکل‌سازی حکومتی را خنثی کرد.

پیش به سوی تشدید مبارزه و اتحاد عمل فراگیر

ژرفش بحران اقتصادی و شکست سیاست‌های رژیم سیر رخدادهای سیاسی را شتاب بخشیده و در حضور لایه‌های مختلف اجتماعی در معادلات سیاسی اثرگذار بوده‌اند. جنبش کارگری برای آنکه بر این تحول‌ها مهر و نشان خود را بکوبد باید بیش از گذشته با تشدید مبارزه و اتحاد عمل فراگیر، ضمن تقویت بنیه رزمجویانه‌اش، میزان اثرگذاری‌اش را در جنبش سراسری ضد دیکتاتوری افزایش دهد. این وظیفه با استفاده از همه روزنه‌ها و حد اعلاهی هوشیاری امکان‌پذیر است. تجربه اعتصاب کارگران هفت‌تپه، فولاد اهواز و تحصن سراسری فرهنگیان نشان می‌دهد که علاوه بر افزایش آگاهی طبقاتی، سطح همبستگی در جنبش کارگری و سندیکایی و به‌طور کلی جنبش همگانی ضد استبدادی در قیاس با گذشته ارتقا یافته، اما هنوز به درجه کافی و لازم نرسیده است. تعیین شعارهای صحیح، انتخاب شیوه‌های اعتراضی به‌ویژه استفاده از سلاح اعتصاب، از اهمیت‌های جدی برخوردارند. باید پیگیرانه در راه پیوند دادن اعتراض‌های پراکنده به یکدیگر مبارزه کرد و با تشدید مبارزه از سویی برنامه مداخله‌جویانه امپریالیسم را که هدف اصلی‌اش حذف عامل مردم و تضعیف نیروهای راستین آزادی‌خواه و مترقی ایران است ناکام گذاشت و از دیگر سو استبداد مذهبی را در چارچوب جبهه‌ای فراگیر به عقب‌نشینی وادار کرد و سپس درهم شکست و بر فقر، استبداد، ستم، تارک‌اندیشی و ارتجاع فائق آمد.



وظیفه سندیکاهای مبارزه برای تأمین حقوق همه کارگران است:

ایا امتیاز گرفتن از کارفرمایان باعث جدایی کارگران می‌شود؟
نظرگاه "ورنر ساربرک" در ارتباط با مقررات مثبت برای فعالان سندیکایی
"فرانک بسپرسکه"، رئیس اتحادیه سندیکاهای کارکنان

خدمات عمومی (وردی)، چندی پیش اعلام داشت که، یک بخش از دستمزدهای تثبیت شده در قراردادهای شامل معافیت مالیاتی می‌شوند و مقرراتی جدید به منظور معافیت مالی واقعی در نظر گرفته شده است. این مقررات قرار است به میزان ۳ تا ۴ برابر حد متوسط حق عضویت پرداختی به سندیکا باشد که از حد متوسط درآمدها حاصل می‌شود. این به معنای آن است که هر عضو سندیکا مبلغی بین یک هزار و سیصد تا یک هزار و پوروی مالیات کمتری پرداخت خواهد کرد. او همچنین از سیاست‌گذاران خواست تا در راستای تسهیل و عملی ساختن توافق‌نامه‌های عمومی و قراردادهای دسته‌جمعی که در زندگی کارگران مؤثر واقع خواهند شد، تلاش لازم را انجام دهند. این خواست باید شامل حال کارگران تازه استخدام شده و اعضای جدید سندیکا نیز بشود. اعضای سندیکاهای مدت‌های زیادی است که از این مزایا برخوردارند. از چندین سال قبل برای رفاه کارگران و گنجاندن ۲ روز مرخصی اضافی در قراردادهای اعضای سندیکا در استان نورد-راین وستفالن، مبارزه شده بود. اتحادیه سندیکاهای کارکنان خدمات عمومی (وردی) توانست در سال ۲۰۱۱ و در بندرگاه هامبورگ به توافق‌نامه‌ای دست یابد که بنا بر آن، هرساله اعضای سندیکا بتوانند مبلغ ۲۶۰ یورو به عنوان کمک هزینه دریافت کنند.

سندیکای صنایع انرژی، شیمی و معادن توانست با کارفرما به توافقی دست یابد که بر اساس آن، کارفرما باید در حسابی جداگانه پولی را واریز کند که این پول در حکم سرمایه پشتوانه شرکت به‌هنگام بحران یا ضمانتی باشد به منظور استخدام کارگران جوان تا بعد از اتمام دوره تخصص‌شان بیکار نمانند. درباره این طرح‌های سودمند و مشابه آن‌ها، حتماً به صورت ساختاری بحث خواهد شد و من می‌توانم دلایل طرف مقابل خودم را درک کنم. سندیکاهای نباید فعالیت‌شان را فقط بر خواست اعضای خودشان متمرکز کنند، بلکه باید نماینده واقعی همه کارگران باشند و از منافع دیگر زحمتکشان هم دفاع کنند. سندیکاهای کارگری هم چنین نباید به یک شرکت بیمه تبدیل شوند، بلکه باید مبارزه‌شان را از طریق فعالیت‌هایی سودمند و با محتوایی طبقاتی - کارگری به پیش ببرند. همه این‌ها درست است، ولی من این استدلال را برخلاف حمایت از اعضای سندیکا و امتیازهایی که باید به آنان تعلق گیرد، نمی‌دانم. کسانی که در سندیکا فعال هستند، حق عضویت‌شان را مرتب پرداخت می‌کنند، برای شرایط کاری بهتر مبارزه می‌کنند و بیه سختی کار را به تن می‌مالند و حتی از اوقات فراغت‌شان هم می‌زنند، می‌باید از این حقوق سودمند بهره‌مند شوند. این امر برای سندیکالیست‌های قدیمی و جوان امری است بدهی. مبارزه امروز فعالان سندیکایی در کارخانه‌ها و شرکت‌ها بهبود بخشیدن به سطح سازمان‌دهی کارگران است تا از این طریق بتوان توانایی یک اعتصاب نیرومند و مؤثر را به پیش برد. بدون توانایی اعتصاب در شرکت‌ها و کارخانه‌ها، هرگز نمی‌توان نتیجه مطلوبی در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به دست آورد.

[ترجمه نوشته ورنر ساربرک، در "عصر ما"، نشریه "حزب کمونیست آلمان"، ۴ آبان‌ماه ۱۳۹۷].

یورش به منافع کارگران در کارخانه ریخته‌گری "هالبرگ":

کارگران خلیج از بخش خصوصی و انتقال مالکیت کارخانه به پوشش دولتی را خواهان‌اند!

هدف، به‌زانو درآوردن کارگران است

رفتار غیرعادلانه و ضدکارگری مدیریت کارخانه جدید ریخته‌گری هالبرگ در زاربروک آلمان علیه کارگران پایانی ندارد. مدیریت برای به‌تعطیلی کشاندن و بستن این کارخانه، عمداً از پرداخت پول برق و خرید مواد اولیه امتناع می‌کند. تمامی مالکیت قسمت‌های اداری و تولیدی این کارخانه که در مالکیت "گروه پرونت" قرار دارد، قرار است به یک شرکت آمریکایی فروخته شود. اما کارگران و سندیکای این کارخانه دست به اعتراض زده‌اند و از انتقال ماشین‌آلات و دستگاه‌های تولیدی مانع شده‌اند و اعلام کرده‌اند که کارخانه باید به پوشش دولتی بازگردد. نگرانی کارگران از این است که قسمت‌هایی که در آنجا تمامی قطعه‌های ریخته‌گری موجود است و برای ساخت و تولید قطعه‌سازی خودروهای فولکس‌واگن و دایملر به کار می‌رود از بین بروند. هر دو شرکت خودروسازی فولکس‌واگن و دایملر قراردادهای عرضه تولیدشان را به‌پهنا پیشگیری در برابر سیاست‌های قیمت‌گذاری متوقف کرده‌اند.

روزنامه ساربروک، در همین ارتباط و به‌نقل از سندیکای فلزکاران، می‌نویسد: "از خارج کردن و انتقال دستگاه‌های بارزش جلوگیری کنید. بدهی است که کارگران با اعتراض‌های خود به کارفرما فشار می‌آورند، زیرا مذاکرات برای فروش کارخانه در حال انجام است. به احتمال زیاد قرار است این دو کارخانه به یک شرکت مشاوره مالی در فرانکفورت به نام "وان اسکوره آدویسورس" واگذار شود و کارفرما می‌خواهد این اقدام را با خشونت هرچه تمام‌تر به پیش ببرد. بر اساس این منطق قرار است هر دو کارخانه در مکان فعلی پابرجا بمانند، ولی به‌جای دو هزار و دویست کارگر قرار است یک هزار و ششصد تا یک هزار و ششصد و پنجاه کارگر به کار خود ادامه بدهند. این راه‌حلی برای آینده نیست، بلکه فقط تحویل آن از طرف یک سرمایه‌دار آژمند به یک سرمایه‌دار دیگر در نظام سرمایه‌داری است. در اعلامیه حزب کمونیست آلمان در ایالت زارلند که در ارتباط با این وضعیت انتشار یافته، آمده است: "این روند بیان‌کننده نظام سرمایه‌داری واقعاً موجود است، نظامی که در آن سود بر اصل انسانیت ارجحیت دارد."

به این ترتیب، سر یکی از کارخانه‌های با سابقه صنعتی و سنتی با تولیدی بالا در ایالت زارلند از سوی مالکان "گروه پرونت" بدون هیچ‌گونه ابایی محکم به دیوار کوبیده شده است. با استراتژی بحران می‌خواهند نهندها مشتریان و قطعه‌فروشان را نامطمئن بلکه بیش از همه کارگران را زیر فشار بگذارند. در هنگامه‌ای که زمین زیر پای کارگران سست می‌شود، حزب‌های سوسیال دمکرات (اس پ د) و دمکرات مسیحی (س د او) - دو حزبی که اکثریت کرسی‌های مجلس ایالت زارلند را در اختیار دارند - به‌جای پایان دادن به هجوم کنسرن‌ها و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان کارخانه ریخته‌گری جدید هالبرگ، بدون هیچ‌گونه برنامه‌ای و ناتوان از انجام اقدامی مؤثر، نظاره‌گر این یورش هستند.

تا زمانی که بازار سرمایه‌داری از نگاه این دو حزب حاکم ائتلافی (سوسیال دمکرات و دمکرات مسیحی) همچون تنها گزینه مقدس شمرده می‌شود، به کارگرانی مانند کارگران کارخانه ریخته‌گری هالبرگ هیچ‌گونه کمکی نخواهد شد. باید توجه زیادی در دولت و وزارت امور اقتصادی کرد، نتیجه‌گیری به‌منظور انجام اقدام‌هایی مناسب در اقتصاد و سیاست‌های ایالتی باید صورت گیرد و دگرگونی سیاسی‌ای از بنیان انجام شود. ولی تا زمانی که حزب‌های ائتلافی یادشده همچنان مدافع سیاست بازار آزاد هستند، هیچ‌گونه دگرگونی به‌سود منافع کارگران انجام نخواهد شد.

ما کمونیست‌ها خواهان موارد زیر هستیم:

- باید به اخراج و فسخ قراردادهای کارخانه ریخته‌گری هالبرگ پایان داد؛

ادامه در صفحه ۳

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۱۵
Nameh Mardom - Workers Supplement No. 15

7 January 2019

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

